



۱۰ سپتمبر، ۲۰۲۴

پوهاند عبدالحي حبيبي

نام افغان و افغانستان در دوره اسلامی



تذکر استقلال - خپلواکی: اخيرا جدالی بر محتویات و سفسطه سرایی های کتاب هموطنی به نام «خالق لعلزاد» در مطبوعات بیرون افغانستان در جریان است که محترم داکتر نور احمد خالدي با جد و جهد دایمی ای که در چنین مسائل ملی ابراز میدارد، به رد چنان جعلیات غیر افغانی پرداخته است.

درین مختصر، مؤرخ و محقق نامور افغان پوهاند «عبدالحي حبيبي» مطالب تحقیقی مستند و گوناگونی در مورد «نام افغان و افغانستان در دوره های اسلامی» در سال ۱۳۱۹ هـ.ش. تحریر داشته اند که نهایت آموزنده و علمی میباشد. اینهم یکی از آن برگزیده های تحقیقی:

در سطور ذیل میخواهم که راجع به تذکار کلمات افغان و افغانستان در دوره اسلامی مختصراً چیزی بنویسم، و البته خوانندگان محترم از مباحث گذشته مجله کابل تا يك اندازه معلومات دارند، که کلمه افغان در تواریخ دروه های قبل الاسلام ماخذ مهمی دارد، ولی چون شرح آن طویل است نمی

خواهم در آن موضوع وارد گردم، درینجا فقط همین قدر میخوام واضح سازم که در قدیم ترین ماخذ شرقی از کدام عصر کلمات فوق را می یابیم؟

شاید بعضی ها پنداشته باشند، که کلمه افغانستان بعد از آنکه اعلیحضرت احمدشاه بابای کبیر، درین سرزمین علم شاهنشاهی افرشاته بمیان آمده باشد ولی کنجکاوی و استقراری تاریخی، شهرت این کلمه ها را قرنهای پیش از آن هم واضح میکند، که در نگارش ذیل نوشته می شود. تا جائیکه من معلومات دارم مؤرخین عرب از قبل بلاذری بغدادی و طبری و مسعودی و اصحاب ممالک و مسالک این تسمیه ها را نتوشته اند اگر چه بلاذری فتوحات مسلمین را مفصلاً درین بوم و زاد نگاشته و شهرهای معروف مملکت ما را يك يك نام برده است، مثلاً: بست، داور کش، فراه، زرنج، قهندز و غیره را بلاذری (۱) و هکذا بامیان و کابل را مسعودی ذکر میکند (۲) اما نام افغانستان یا افغان را نه آورده اند. ولی در قدیمترین جغرافیای زبان پارسی که در سال ۳۷۲ هـ (بنام حدود العالم من المشرق الی المغرب از طرف مؤلف نامعلوم نگاشته آمده، از شهرهای معروف وطن عزیز ما چون قندهار، گردیز، لغمان زکری رفته و با این بلاد بنام(سول) جائی را ذکر کرده و کلمه افغان را هم آورده که عین عبارات آن این است:

“سول دهی است بر کوه با نعمت، و اندرو افغانان اند، و چون ازینجا بروی تابه حسینان راه اندر میان دو کوه است (۳). بعد از آن در بیان شهری بنام (بنیهار) چنین همیگوید:

“جایست باذ شاهی او مسلمانی نمایوزن بسیار دارد، از مسلمانان و از افغانان، و از هندوان بیش از سی کس و دیگر مردم بت پرستند.(۴)

اگر مدققین و تاریخ نگاران شرقی حتی نویسندگان انسانکلوپیدی اسلامی و بارتولد نیز پیش از عهد غزنویان کلمه "افغان" را طوریکه خود آنها گویند (۵) در کتابی نیافته باشند پس محققاً همین کتاب اثر نخستین خواهد بود که نام افغان را ذکر کرده است.

متأسفانه در وقت نگارش این سطور کتب مسالک و ممالک از قبیل کتاب البلدان یعقوبی (تالیف سال ۲۷۸ هـ) و ابن فقیه (حدود ۲۹۰ هـ) و (مسالک ابن حوقل) ۳۶۷ هـ) و غیره در دست نبود که موضوع را درین کتب هم کاوش و جستجو میکردیم، ولی همینقدر آشکار است که بعد از ۴۰۰ هـش مؤرخین معروف غزنوی العتبی و همچنان البیرونی ذکر از (افغان) نموده اند (۶).

بعد ازین در اغلب تاریخهایی که درینجا و در آنجا نگارش یافته افغان و اوغان ذکر شده که از جمله حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده (تالیف سال ۷۳۰ هـ) در بسی از صفحات اوغان و اوغانی و

محاربات آنها باشاهان آل مظفر در حدود (۶۵۰ هـ) مکرراً ذکر کرده (۷) و همچنان عبدالرزاق بن اسحق سمرقندی که از مؤرخین دوره تیموریست و تا (۸۷۲ هـ) وقایع آن اوقات را نگارش داده در بسی از مواقع حوادث مهمه حرکات ملیه اوغان و جنگهای شانرا می نویسد (۸) و مؤرخین دوره تیموریه هند چون فرشته، و ابوالفضل در آئین اکبری و خان جهان خان و نعمت الله هروی در مخزن افغانی زیاده تر ذکر آنها را میکند.

ولی کلمه افغانستان قرار معلومات موجوده من نخست در کتاب تاریخ هرات تالیف سیف ابن محمد بن یعقوب الهروی (مشهور به سیفی هروی) دیده میشود، که این کتاب بنام سلطان غیاث الدین کرت در سنه (۶۱۸ هـ) نگاشته آمده و در آنجا چنین نبشته است:

“وخطه هرات تا اقصای افغانستان و حد آموی بدو مفوض کرد (۹) یعنی الجایتو سلطان به سلطان غیاث الدین کرت مفوض نمود.

علاوه بران عبدالرزاق سمرقندی نیز در مطلع سعدین نام افغانستان را در ذیل وقایع (۷۸۵ هـ) بعد از فتوحات امیر تیمور در خراسان چنین نگاشته است: “ ذکر توجه صاحبقران بسیستان و قندهار و افغانستان ” در ذیل این فصل نام های فراه، بست، قندهار، تخت سلیمان و غیره را بصراحت نام برده است (۱۰).

این بود تذکار مختصر تاریخی راجع به نامهای افغان و افغانستان که از روی مأخذ موجوده که در دست است نگاشته شده، چون این جستجو و کاوش حاوی و جامع نیست، البته ناقص گفته میشود، شوقمندان و مدققین اگر غیر ازین معلوماتی راجع به تذکار این اسماء در دوره اسلامی در تواریخ شرقی داشته باشند، البته تکمیل خواهند فرمود (۱۱).

مأخذ:

۱. فتوح البلدان بلاذری طبع لیدن _ ۱۸۶۶ ع
۲. مروج الذهب مسعودی طبع مصر
۳. حدود العالم طبع عکسی ص ۳۱ _ از نسخه قلمی تومانسکی
۴. حدود العالم ص ۳۱
۵. بارتولد ص ۱۳۰
۶. رجوع شود به تاریخ یمینی ابو نصر محمد بن عبدالجبار العتبی که در حدود (۴۱۵ هـ) نوشته شده ص ۳۵۰ و ابوریحان البیرونی که پیش از وفاتش (۴۴۰ هـ) آثار خود را نگاشته

۷. رجوع شود به صفحات ۶۴۷ _ ۶۴۳ _ ۶۶۷ _ ۶۹۸ _ ۷۳۸ و غیره تاریخ گزیده طبع
لند ج ۱ _ ۱۹۱۰ ع
۸. مطلع السعدین نسخه قلمی کتب خانه پښتو ټولنه
۹. نسخه قلمی تاریخ هرات متعلق به فاضل محترم آقای سرور خان اعتمادی
۱۰. مطلع السعدین قلمی
مجله کابل، سال ۱۳۱۹ ش، شماره ۱۰، ص ۳۱ _ ۳۳